



کتابخانه افروز



ما در مدرسه‌ی افروز اعتقاد داریم که فرهنگ، مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌های فردی و مدنی پیوندی گسست‌ناپذیر با آموزش دارند. به باور ما کلاس درس فقط فضایی برای کسب دانش نیست؛ این هدف با پرورش مهارت‌های اجتماعی و کسب دانش هم تنیده و تفکیک‌ناپذیرند. موضوع کلاس درس هرچه باشد -ریاضی یا علوم اجتماعی- امکانی است برای تمرین مهارت‌های اجتماعی با دانش‌آموزان و به عقیده‌ی ما ارتقای این مهارت‌ها اگر مهم‌تر از افزایش علم و دانش کودکان و نوجوانان نباشد، از آن کم‌اهمیت‌تر نیست. به همین منظور قصد داریم با برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌هایی در مدرسه‌ی افروز، بازی‌ها و فعالیت‌هایی عملی برای کودکان و نوجوانان معرفی کنیم، درباره‌ی مهارت‌ها و روش‌های تسهیلگری این مفاهیم در کلاس درس به بحث و گفت‌وگو پردازیم، و راهکاری عملی برای پیاده‌سازی این مفاهیم در کلاس درس را با هم تجربه کنیم.

مدرسه‌ی افروز دو اصل «آموزش مشارکتی» و «کاربردی بودن مطالب» را سرلوحه‌ی فعالیت‌های خود قرار داده و دوره‌های آموزشی را به گونه‌ای تدوین کرده است که همگام با معرفی هر مفهوم نظری، نحوه‌ی انتقال آن به دانش‌آموزان هم به بحث و گفت‌وگو گذاشته می‌شود. امیدواریم با تمرکز بر مهارت تسهیلگری، و هم‌فکری و گفت‌وگو درباره‌ی آن بتوانیم راهکارها و شیوه‌هایی جدید و کاربردی و خلاق پیدا کنیم تا از این طریق تمرین مهارت‌های اجتماعی و بالا بردن میزان مشارکت دانش‌آموزان در کلاس درس محقق شود. ما در مدرسه‌ی افروز بر این باوریم که می‌توان با چشم‌انداز «جامعه‌ی فردا را با هم بسازیم» از فرصت‌های موجود در کلاس درس بهره‌جست و برای تبدیل دانش‌آموزان به شهروندانی آگاه و مؤثر کوشید.

(در صورت استفاده از منابع افروز، لطفاً ذکر منبع را فراموش نکنید. متشکریم)

سیمای قهرمان^[۱]

ترجمه: گروه آموزش مدرسه افروز

این مطلب بر اساس مقاله‌ای با عنوان «سیمای قهرمان» به قلم جیل کاریل ویلنر^[۲] تهیه شده است. گروه آموزش مدرسه افروز برای روشن تر شدن نحوه اجرای بازی سیمای قهرمان بخش‌هایی را به آن افزوده است.

پروژه «سیمای قهرمان» حاصل توجه یک زن روزنامه‌نگار به بازتاب اخبار و تصاویر مرتبط با ورزش زنان در رسانه‌های آمریکا است. در نخستین سال‌های دهه ۱۹۹۰ میلادی، خانم چین گاتسمن که به تازگی به عنوان خبرنگار در یک روزنامه استخدام شده بود، با این گزاره روبه‌رو شد که «ورزش زنان نسبت به مردان در درجه دوم اهمیت قرار دارد». این جمله توجه گاتسمن را به خود جلب کرد و پس از آن بود که او شروع کرد به بررسی و ثبت اخبار و تصاویری که از ورزش زنان در روزنامه‌ها و مجلات ورزشی چاپ می‌شد. حاصل این کار در مقاله‌ای تحت عنوان «زنان ورزشکار روی جلد مجلات» انتشار یافت. خانم گاتسمن در مقدمه کتاب سیمای قهرمان نوشته که بلافاصله بعد از تهیه این مقاله این پرسش ذهنش را مشغول کرد: «ظاهر یک ورزشکار زن چه شکلی است؟» و پروژه با همین پرسش آغاز شد.

او برای پیدا کردن جواب این پرسش دوباره به سراغ روزنامه‌ها، مجله‌ها و کتاب‌ها رفت و پس از بررسی شماری از آن‌ها متوجه شد که در نسخه‌هایی که رسانه‌ها برای تعریف زنانگی، رفتارها و زیبایی‌های زنان می‌پیچند، مفاهیم و تصاویری مثل لباس ورزشی، شور و حال یک ورزشکار و عضله‌های محکم و تنومند جایی ندارند.

پس از آن بود که خانم گاتسمن شروع کرد به جمع‌آوری عکس‌هایی از زنان ورزشکار که آن‌ها را در حالت‌های مختلف نشان می‌دهد. وجه مشترک همه تصاویر این بود که از معیارهای عرفی تعریف شده برای زنان فاصله داشت یا درست نقطه مقابل آن‌ها بود. حاصل این طرح در قالب کتابی با عنوان «سیمای قهرمان: تصویر یک ورزشکار زن» انتشار یافت و علاوه بر آن، به صورت نمایشگاهی در موزه‌های بزرگ آمریکا به نمایش درآمد.

در مقدمه این کتاب نوشته شده است: سیمای قهرمان یک هدف بزرگ دارد؛ انتقال این پیام که ورزش، خودباوری و خودآگاهی زنان را تقویت و به آن‌ها کمک می‌کند خود را تعریف و بیان کنند. خانم گاتسمن و همکارانش در پروژه سیمای قهرمان، علاوه بر تهیه یک کتاب و ترتیب دادن نمایشگاه‌هایی از عکس‌های جمع‌آوری شده، یک مجموعه آموزشی نیز طراحی کردند و در اختیار مؤسسه‌های آموزشی قرار دادند تا از آن برای آموزش مفاهیمی چون مدارا، تنوع و به چالش کشیدن پیش‌فرض‌های ذهنی استفاده کنند.

مقاله‌ای که در ادامه می‌خوانید گزارشی است درباره استفاده از مجموعه آموزشی سیمای قهرمان در مدارس با این هدف که دانش‌آموزان بتوانند پیش‌داوری‌های خود را به چالش بکشند و قضاوت‌های اجتماعی را مورد سؤال قرار دهند.

وبسایت سیمای قهرمان: <http://gamefaceonline.org>

یک عکس به ظاهر ساده و سیاه و سفید به دختر ۱۰ ساله‌ای به نام دنیس مک‌لین [۳] کمک کرد که رویکرد خود در قضاوت کردن دیگران را تغییر دهد.

«پیش‌تر، وقتی یک بچه چاق می‌دیدم، فقط به بزرگی هیکل او توجه می‌کردم. اصلاً احتمال نمی‌دادم که یک ورزشکار باشد. حالا فکر می‌کنم که فردی با هیکل درشت می‌تواند ورزشکار باشد و حتی مدال هم گرفته باشد.»



عکس بالا نوجوانی را نشان می‌دهد که تکه‌ای از یک تنه درخت را بالای سر برده و نگه داشته است. این عکس بخشی از یک بسته آموزشی با عنوان «سیمای قهرمان: درس‌های زندگی تنیده با برنامه آموزشی» است که می‌کوشد پیش‌فرض‌ها را به چالش بکشد و احساس اعتماد به دیگران را ارتقا دهد.

پشت این عکس توضیح داده شده که تصویر متعلق به زنی جوان و شناخته شده به نام چریل هاوُرت [۴] است که مدال برنز المپیک را در رشته وزنه‌برداری به دست آورده است. این توضیح با این سؤال ادامه یافته است که اگر چریل هاوُرت را در لباس معمولی، در خیابان دیده بودید، هیچ فکر می‌کردید که او یک ورزشکار است؟ و سؤال دیگر اینکه؛ آیا تصور شما از ظاهر یک ورزشکار زن با شکل ظاهری یک ورزشکار مرد تفاوت دارد؟

یکی از دانش‌آموزان کلاس به نام آدام کاراس [۵] که ۱۰ سال دارد می‌گوید: «این تصویر آدم را به این فکر می‌اندازد که نباید یک کتاب را بر اساس جلد آن قضاوت کرد.»

بازی سیمای قهرمان مجموعه تصاویری اثرگذار از ورزشکاران زن را به کار می‌گیرد تا موضوعات درسی پیچیده مانند تنوع و تکرر، مدارا و تعریف شکل و زیبایی بدن را به بچه‌ها آموزش دهد. برای هر تصویر سؤال‌هایی در نظر گرفته شده که به پا گرفتن گفت‌وگو و تبادل نظر درباره موضوع و سرعت بخشیدن به انجام تکالیف مرتبط و دیگر فعالیت‌های کلاسی کمک کند.

آلیسیا مونترس^[۶] معلم کلاس پنجم دبستان در مدرسه اَلْمَسْتِد^[۷]، واقع در شرق ایالت ماساچوست آمریکا—مدرسه‌ای که مکین و کاراس در آن درس می‌خوانند—در این باره می‌گوید: «این فعالیت یک روش شگفت‌انگیز برای لمس و درک آن دسته از مسائل اجتماعی است که غالباً به آن‌ها نمی‌پردازیم.»

حالا تصویر دیگری از فعالیت را ملاحظه کنید:

این عکس یک دونده با پاهای فلزی را در پیست دو و میدانی نشان می‌دهد که در حال مصاحبه است. او اِمی مولینز^[۸] است، رکورددار پارا المپیک که از ناحیه دو پا قطع عضو شده است.



اِمی مولینز

روی دیگر تصویر به نقل از مولین نوشته شده که «بدن انسان، در حال حرکت و فعالیت زیبا است» و به دنبال آن این سؤال مطرح شده: فکر می‌کنید منظور مولین از بیان این جمله چیست؟

تامیکا کرسی [۹] دانش‌آموز ۱۰ ساله این‌طور پاسخ می‌دهد: «نشان می‌دهد که هر کاری بخواهم می‌توانم انجام بدهم، حتی اگر یکی از اعضای بدنم را از دست داده باشم. و ادامه می‌دهد: «فکر می‌کنم او خوشحال است و همین خوشحالی او خیلی خوب است.»

خود کرسی از جمله افرادی است که می‌تواند موضوع بازی سیمای ورزشکار باشد؛ او تنها بازیکن دختر در تیم راگی مدرسه است. او می‌گوید: «من فکر می‌کنم چون به راگی علاقه دارم، پس می‌توانم راگی بازی کنم.»



تامیکا کرسی در تیم راگی مدرسه

این بسته آموزشی از کتاب و نمایشگاهی به نام «سیمای قهرمان: تصویر یک ورزشکار زن» الهام گرفته شده؛ و همه چیز برآمده از نگاه یک زن است.

وقتی جین گاتسمن [۱۰] به عنوان خبرنگار ورزشی برای روزنامه سن‌فرانسیسکو کرونیکل [۱۱] می‌نوشت، از بی‌توجهی رسانه‌ها به ورزش زنان خشمگین بود. او می‌خواست از تاثیر قابل توجه ورزش بر دختران بگوید. گاتسمن از تأثیر ورزش بر تقویت اعتماد به نفس، تمرکز، کار گروهی و رشد مهارت‌های ریسک‌پذیری در زنان، آگاه و برای آن ارزش ویژه‌ای قائل بود.

هرچند که کتاب و نمایشگاه هنری اولویت داشت، اما هدف نهایی او این بود که این ایده‌ها را به کلاس‌های درس ببرد. او در این باره می‌گوید: «مسئله، به چالش کشیدن پیش فرض‌ها و درس گرفتن از آموزه‌های ورزش و به کار بردن آن‌ها در زندگی است. این عکس‌ها چند لایه‌اند و می‌توان درباره وجوه مختلف آن صحبت کرد و به همین دلیل در انتقال مفاهیم حساس موفق می‌شوند.»

جفری بیدل [۱۲] که مدیریت تهیه مجموعه عکس‌های پروژه سیمای قهرمان را بر عهده داشته، می‌گوید که آن‌ها با دقت زیاد بیش از ۲۰۰ هزار عکس را برای طراحی یک کتاب و نمایشگاه بررسی کردند، سپس یک شرکت تأسیس کردند که به بخش مالی ماجرا رسیدگی کند.

فلورنس امرسون [۱۳]، معاون ارشد گروه اقتصادی [مَس میوچال [۱۴]] با نگاهی به مجموعه عکس‌ها به این نتیجه رسید که این بسته آموزشی به راحتی قابل فروش است و ادامه داد: «نگاهی به آن انداختم و گفتم اگر بخواهیم تنها سرمایه‌گذار آن باشیم، چه قدر برایمان تمام می‌شود؟»

گروه سیمای قهرمان و گروه اقتصادی «مَس میوچال» برنامه‌ای را برای مقطع راهنمایی و برای دانش‌آموزان ۱۰ تا ۱۴ ساله در نظر گرفتند، به این دلیل که فشار هم‌سالان و مسایل مرتبط با عزت نفس و تغییرات عاطفی و فیزیکی در این دوران بیشتر است.

بر اساس برآورد «مس میوچال» بسته آموزشی سیمای قهرمان در سه هزار مدرسه، مراکز جوانان و مراکز مذهبی در سراسر کشور وجود دارد. اگر چه این بسته آموزشی برای دانش‌آموزان مدارس راهنمایی طراحی شده بود، اما در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و همین‌طور برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

میشل سویگنی^[۱۵] معلم کلاس پنجم دبستان آنی فیشر^[۱۶] در شهر هارتفورد^[۱۷] است؛ مدرسه‌ای متشکل از کودکان عادی و کودکانی با نیازهای آموزشی ویژه. او می‌گوید: «ما در درجه اول از این فعالیت برای ایجاد گروه و روشی برای ارتقای توانایی کارگروهی در ریاضی، علوم اجتماعی و درس‌های دیگر استفاده می‌کنیم.» او همراه با سارا مک‌کارتی^[۱۸]، دستیار آموزش، در دو هفته اول مدرسه برای آموزش مفهوم مدارا، پذیرش و همکاری تنها به همین فعالیت اکتفا کردند.

مک‌کارتی می‌گوید: فعالیت سیمای قهرمان، مدارا را در طیفی گسترده پوشش می‌دهد و به مسائل نژادی، روابط دوستی، سن و وزن می‌پردازد.

ایلیسا سالنر^[۱۹] مسئول یک دبیرستان ویژه به نام «پ ۷۲۱ ایکس»^[۲۰] در محله برانکس در شهر نیویورک است. او می‌گوید که فعالیت سیمای قهرمان به‌طور مشخص برای دانش‌آموزان او که نیازهای ویژه آموزشی دارند مؤثر است. او ادامه می‌دهد: «بچه‌ها افرادی را می‌بینند که با وجود چالش‌های بسیار تلاش می‌کنند کارهایی را انجام دهند که هرگز فکر نمی‌کردند قادر به انجام‌شان باشند. علاوه بر این، فعالیت سیمای قهرمان به خواندن کمک می‌کند. پیدا کردن یک فعالیت یا برنامه برای تقویت خواندن و نوشتن در بزرگسالان بدون اینکه احساس تحقیر یا توهین در آن‌ها ایجاد کند، بسیار سخت است. این روش در عین حال که شأن و کرامت افراد را ارج می‌نهد، خواندن را به آن‌ها می‌آموزد.»

افزون بر این، معلم‌ها می‌گویند که این فعالیت را از آن جهت که برای کودکان الهام‌بخش است، دوست دارند.

مولی سولو^[۲۱] که یازده سال دارد، در ارتباط با عکس یک دختر کوچک در حال چرخاندن هولاهوپ می‌گوید: «هر چند حلقه بزرگ بود، ولی او مصمم بود حلقه را دور کمر خود بگرداند. کوتاهی یا بلندی قد یا هر نوع دیگری که هستی مهم نیست؛ اگر با همه وجود کاری را انجام دهی، هر آنچه را بخواهی می‌توانی عملی کنی.»

دوباره به عکس اِمی مولینز با پاهای فلزی اش بازگردیم. دانش آموزان با دیدن آن یاد می‌گیرند که مولینز با پاهای چوبی بزرگ شد و به طور اتفاقی در جریان طراحی پای فلزی مشارکت کرد؛ پاهایی که با الهام از پاهای یوزپلنگ طراحی شد.

سدونیا دایپر [۲۲] که ۱۰ سال دارد، معتقد است: «این عکس به آدم می‌گوید هر چیز که بخواهی می‌توانی باشی؛ حتی یک دونه با پاهای فلزی».





- [۳] Dennis Maclaine
- [۴] Cheryl Haworth
- [۵] Adam Karas
- [۶] Alicia Montross
- [۷] Olmsted School
- [۸] Aimee Mullins
- [۹] Tamika Kersey
- [۱۰] Jane Gottesman
- [۱۱] San Francisco Chronicle
- [۱۲] Geoffrey Biddle
- [۱۳] Florence Emerson
- [۱۴] MassMutual Financial Group
- [۱۵] Michelle Sevigny
- [۱۶] Annie Fisher
- [۱۷] Hartford
- [۱۸] Sarah McCarthy
- [۱۹] Ilisa D. Sulner
- [۲۰] P721X
- [۲۱] Molly Solov
- [۲۲] Sedonia Dyer

[۱] این مقاله، پاییز سال ۲۰۰۵ در بیست و هشتمین شماره مجله «آموزش مدارا» منتشر شد. بنیاد آموزش مدارا که یکی از پروژه‌های مرکز حقوقی فقر جنوب (Southern Poverty Law Center) است، در سال ۱۹۹۱ و با هدف تلاش برای کاهش پیش‌داوری و تعصب در مدارس، ارتقای ارتباط میان گروه‌های مختلف اجتماع و افزایش برابری در مدارس آمریکا راه‌اندازی شد. یکی از فعالیت‌های این بنیاد انتشار فصل‌نامه‌ای است که هر سه ماه یک بار به صورت رایگان در اختیار آموزگاران قرار می‌گیرد. این مجله که هم‌نام بنیاد است، حاوی مقاله‌ها و طرح درس‌هایی است که با مشارکت بیش از ۵ هزار مدرسه در آمریکا و کانادا تهیه می‌شوند. این مؤسسه در معرفی اهداف و فعالیت‌های خود اعلام کرده است که چنین معنایی از مدارا را سرلوحه فعالیت‌هایش قرار داده است/ مدارا به معنای احترام به تنوع فرهنگ‌ها و زبان‌ها و تنوع شیوه‌های انسانی، پذیرش آن‌ها و ارج نهادن به آن‌ها است؛ مدارا هم‌سازی تفاوت‌ها است.

[۲] Jill Caryl Weiner خبرنگار و نویسنده آمریکایی و اهل نیویورک که با رسانه‌هایی چون نیویورک‌تایمز و وال‌استریت‌ژورنال همکاری داشته. نخستین کتاب او با عنوان «وقتی سه نفر شدیم» سال ۲۰۱۳ منتشر شد.

سؤال؟؟

با مدرسه افروز تماس بگیرید
info@afroozschool.org